



علوم قرآنی از دیدگاه آیت الله معرفت

نویسنده:

محمد فاکر میبدی

1283

(53)





اشارت

از مباحث با اهمیت در حوزه قرآن پژوهی شناخت مباحث مربوط به علوم قرآن است که بسیاری از دانشمندان در باره آن سخن گفته و قلم زده‌اند، و آمار ارزشمند و ذی‌قیمتی را به محضر قرآن پژوهان و قرآن‌دوستان اراچه نموده‌اند، که در خور ستایش و تقدیر است، و بنا نیست تا در این وادی سخن بگوییم. بلکه قصد آن را داریم تا به مناسبت نکوداشت حضرت آیت‌الله محمد هادی معرفت بزرگ پژوهش‌گر حوزه قرآن و صاحب نظر در این فن شریف، نیم‌نگاهی به مفهوم علوم قرآن، و تفاوت آن با علوم قرآنی به خصوص از دیدگاه آن محقق فرزانه بپردازیم.

گستره علوم قرآن

ترکیب دو واژه «علوم» و «قرآن» در زبان فارسی می‌توان به دو شکل وصفی و اضافی به کار رود، بدین معنی که اگر واژه قرآن نسبت به علوم به عنوان صفت باشد به مقتضای مفهوم وصفی آن، برخی از دانش‌های مربوط به قرآن را در بر می‌گیرد، یعنی دانش‌هایی که وجهه قرآنی دارد. ولی اگر کلمه قرآن به عنوان مضاف الیه و ترکیب از نوع اضافی باشد، در این صورت اصطلاح «علوم قرآن» به معنای دانش‌هایی خواهد بود که در ارتباط با قرآن است، که طبعا دانش‌های بیشتری را در بر خواهد گرفت، که در همین مقاله بدان اشارت خواهد شد.

آری در ادبیات قرآنی معاصر در زبان فارسی چندان این دقت‌ها اعمال نشده است، و هر محقق تعبیری را به کار برده است. استاد معرفت تعبیر «علوم قرآنی» را برگزیده است، در حالی که آقایان آیت‌الله میرمحمدی و عبدالوهاب طالقانی و دکتر سعیدی‌روشن و دیگران تعبیر «علوم قرآن» انتخاب کرده ولی محتوای کلی هر دو یک است.

تفاوت علوم قرآنی با علوم قرآن

بی‌تردید خاستگاه نخست اصطلاح «علوم قرآن» زبان عربی است، و منشأ آن یکی دو ترکیب وصفی «العلوم القرآنیة» و ترکیب اضافی «علوم القرآن» می‌باشد. حال باید دید در زبان فارسی

کدامیک از دو ترکیب فوق مورد نظر قرار گرفته است، آیا ترکیب «العلوم القرآنية» ترجمه و بازگردانده شده است، که مناسبتر است به «علوم قرآنی» تعبیر شود. یعنی علمی که موضوع آن قرآن است، همانند علوم سیاسی و علوم طبیعی که موضوع آن ها سیاست و طبیعت است. اما اگر برگرفته از ترکیب اضافی «علوم القرآن» باشد، در این صورت اصطلاح «علوم قرآن» مناسب خواهد بود، و طبعاً از حوزه دانش‌هایی متعلق به قرآن فراتر خواهد رفت و همه علوم مقدمی، علوم برخاسته و دانش‌های برگرفته از قرآن، را نیز در بر خواهد گرفت.

همان‌گونه که گفته شد استاد معرفت در آپار فارسی خود عنوان «علوم قرآنی» را برگزیده‌اند، در حالی که آپار عربی ایشان معنون به «علوم القرآن» می‌باشد. که به نظر می‌رسد اگر استاد تعبیر «علوم قرآن» را برای آپار فارسی خود می‌پسندیدند بهتر بود. و بسا انتخاب عنوان علوم قرآنی به دلیل این باشد که خواسته‌اند بخش خاصی از علوم قرآن را جا کرده باشند.

تعریف علوم قرآن

دانشمندان و صاحب نظران حوزه قرآن در روزگاران گذشته، تعریف دقیقی از علوم قرآن اراچه نکرده‌اند، و تنها به ذکر اقسام و عدد آن بسنده نموده‌اند، از جمله زرکشی^۱ به نقل از ابن العربی^۱ می‌نویسد: علوم قرآن (77450) علم است. و نیز می‌نویسد: اساس علوم قرآن سه چیز است: توحید و تذکر و احکام، توحید شامل شناخت خدا، اسماء و صفات، و شناخت مخلوقات می‌شود. و تذکر شامل وعد و وعید، بهشت و دوزخ و پاکسازی ظاهر و باطن می‌شود. و احکام تکالیف و اوامر و نواهی را در بر می‌گیرد.^۲ ولی خود زرکشی مجموع علوم قرآن را چهل و هفت نوع، و سیوطی آن را در هشتاد نوع بیان کرده‌اند.

اما امروزیان کم و بیش در این مقوله قلم زده و سخن گفته‌اند از جمله محمد عبدالعظیم زرقانی. وی می‌نویسد: علوم قرآن، با ترکیب اضافی خود شامل همه علوم می‌شود، ولی پس از نقل آن از معنی وسیع به فن مدون، تنها شامل مباحث خاصی شده و اصطلاح جدیدی پیدا نموده است. از این‌رو، علوم قرآن، مجموعه مباحث مربوط به قرآن از جهت: نزول قرآن، ترتیب، جمع، نگارش، قراچت، تفسیر، اعجاز، ناسخ و منسوخ، دفع شبهات از قرآن و امثال این‌ها است.^۳

۱ - ابوبکر محمد بن عبدالله المعافری (ت 544) از فقهای اهل سنت و مؤلف کتاب احکام القرآن در تفسیر آیات

الإحکام می‌باشد. و او غیر محیی‌الدین ابن عربی عارف معروف است.

۲ - زرکشی، بدرالدین، برهان فی علوم القرآن، ج 1، ص 17.

۳ - زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان، ج 1، ص 28.

شهید آیت الله محمد باقر صدر نیز در این زمینه می نویسد: علوم قرآن عبارت است از همه معلومات و مباحی که متعلق به قرآن است، هر چند اهداف آن ها مختلف باشد.^۴ آقای دکتر سعیدی روشن در این زمینه راه دی گری پیموده و در تعریف خود مبانی فهم قرآن نیز تعبیه نموده است، وی می نویسد: علوم قرآن مطابق اصطلاح مرسوم روزگار ما آن دسته از دانش هایی است که مبانی، ابزارها و راهبردهای فهم قرآن را تسهیل می نماید.^۵ وی سپس می افزاید: مطالعات مربوط به علوم قرآن آمیخته ای مطالعات برون دینی و درون دینی. بدین معنی که پاره ای از این مطالعات هم چون ضرورت وحی، دلالت اعجاز بر حقانیت آن، تحریف نا پذیری وحی، و همین طور ضرورت فهم پذیری آن صرف نظر جنبه نقلی، جنبه عقلی دارد. این بدان معنی است که نگاه نویسنده به مباحث عقلی مربوط به علوم قرآن نگاهی برون دینی است.

دیدگاه استاد معرفت

به نظر می رسد ایشان معتقدند که علوم قرآن و به تعبیر خود ایشان «علوم قرآنی» مجموعه «دانش های برون قرآنی» است. این سخن استاد در کتاب علوم قرآنی است که می نویسد: علوم قرآنی اصطلاحی است، در باره مساجلی مرتبط با شناخت قرآن و شژون مختلف آن. سپس می افزاید: علوم قرآنی بحپ های مقدماتی برای شناخت قرآن و پی بردن به شژون مختلف آن است، در علوم قرآنی، مباحی چون: وحی و نزول قرآن، مدت و ترتیب نزول، اسباب نزول، جمع و تألیف قرآن، کاتبان وحی، مکی و مدنی، پیدایش قرائت، پیدایش متشابهات، اعجاز، نسخ، عدم تحریف مطرح می باشد.^۶ و در جای دی گر می نویسند: علوم قرآن موضوع خود را قرآن قرار داده و با نگرشی برونی پیرامون آن بحپ می کند، یعنی مباحث به محتوای قرآن مربوط نبوده، بلکه به بررسی موضوعاتی ه م چون تاریخ قرآن، اسباب نزول، کیفیت نزول، مخاطبین قرآن، شبهه تحریف، و نظائر آن می پردازد.^۷

در همین راستا استاد در آپار خود به وی ژه در موسوعه «التمهید» به مباحی هم چون: پدیده وحی، نزول قرآن، اسباب نزول، تاریخ قرآن، مکی و مدنی، ترتیب سوره ها، جمع قرآن، توحید

۴ - حکیم، سید محمدباقر، علوم القرآن، ص 3.

۵ - حکیم، سید محمدباقر، علوم القرآن، ص 3.

۶ - معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، ص 8.

۷ - اسکندرلو، محمدجواد، علوم قرآنی، ص 12. این کتاب تقریرات درس استاد معرفت می باشد که در دوره کارشناسی تدریس شده است.

مصاحف، رسم الخط قرآن، قراء و قرات، محکم و متشابه، نسخ (ناسخ و منسوخ)، و اعجاز قرآن می‌پردازد. و در کتابی مستقل به تحریف ناپذیری قرآن زیر عنوان «صيانة القرآن من التحريف» می‌پردازد.

مرزهاي علوم قرآن

بسا بتوان گفت که علوم قرآن در مجموع به سه مرزبندی در حوزه دانش مربوط به قرآن اطلاق می‌شود:

الف: حوزه گسترده. در این تعریف اصطلاح علوم قرآن همه‌ی دانش‌هایی که در جهت فهم قرآن قرار دارد، یا برخاسته‌ی از قرآن است، و یا برگرفته از آن می‌باشد را شامل می‌شود، و به دی‌گر سخن علوم قرآن، بر اساس این اصطلاح عبارت است از:

۱ - دانش‌هاي برخاسته از قرآن.

۲ - دانش‌هاي مربوط به شناخت قرآن است.

۳ - دانش‌هائي که در فهم قرآن نقش و دخالت دارد.

۴ - دانش‌هائي که مستفاد از قرآن کریم است.

بازرترین نوع تعریف در این گستره، تعریف دکتر عطار است که ده علم را به عنوان زیر مجموعه علوم قرآن بر می‌شمارد، که علوت است از: علم التفسیر، علم آیات الاحکام، علم الاعجاز، علم المکی و المدنی، علم اسباب النزول، علم الناسخ و المنسوخ، علم المحکم و المتشابه، علم الاعراب و البلاغة، علم الرسم القرآنی، علم القرات.^۸

ب: حوزه متوسط . یعنی حوزه‌ای که دانش‌های برونی مربوط به قرآن را بر می‌گیرد، و شامل تاریخ قرآن اعم از نزول و کیفیت آن، جمع و گردآوری قرآن، توحید مصاحف، اسباب نزول، نویسندگان وحی، رسم الخط قرآن، دُعراب و اعجام قرآن. و دانش‌های قرآنی چون بررسی پدیده وحی، تحریف ناپذیری، اعجاز قرآن، نسخ (ناسخ و منسوخ)، تأویل و تنزیل، ظهر و بطن، و نیز احکام و تشابه، اطلاق و تقیید و جز آن می‌شود.

ج: حوزه کوچک. از دایره این اصطلاح، تاریخ قرآن با همه متعلقاتش از مدار علوم خارج است و تنها شناخت‌های پایه‌ای که دو سویه می‌باشد، یک سوی آن در درون قرآن و سوی دی‌گر آن در برون قرآن است را در بر می‌گیرد. این اصطلاح در برنامه ریزی درسی نقش مهمی دارد. استاد معرفت در این زمینه به حوزه متوسط نظر دارد.

۸ - العطار، داوود، موجز علوم القرآن، ص.

یادسپاری

شایان ذکر است که محدود کردن دانش های قرآنی به محدود خاص مشکلی ایجاد نمی کند. چنان که نگرشی به پهنه همه معارف قرآنی نیز مشکل آفرین نخواهد بود. چراکه اصطلاح علوم قرآنی هنوز بر اصطلاح خاصی استقرار نیافته است. و چون ترکیب وصفی (علوم قرآنی)، رجحانی بر ترکیب اضافی (علوم قرآن) ندارد، لذا مناسب تر آن است که علوم قرآن را با همان گسترده گوی ذاتیش به کار رود، و چنانچه محدوده خاصی مورد نظر پژوهشگری می باشد با تعریف ویژه و ذکر قیود آن را معین نماید.

فرق علوم قرآن با معارف قرآن

استاد معرفت در فرق بین علوم قرآنی با معارف قرآنی می نویسد: فرق میان علوم قرآنی و معارف قرآنی آن است که علوم قرآنی بحپی بیرونی است و به درون و محتوای قرآن از جنبه ی تفسیری کاری ندارد، اما معارف قرآنی کاملاً با مطالب درون قرآنی و محتوای آن سر و کار دارد، و یک نوع تفسیر موضوعی به شمار می رود.

ایشان سپس می افزایند: معارف قرآنی یا تفسیر موضوعی، مساجل مطرح شده در قرآن را از حیث محتوایی بررسی می کند، بدین ترتیب که آیات مربوط به یک موضوع را از سراسر قرآن در یک جا گردآورده و در مورد آن چه که از مجموع آن ها به دست می آید سخن می گوید، مشروط بر این که از محدوده دلالت قرآنی فراتر نرود. گرچه در تفسیر موضوعی گاه ضرورت دارد به شواهد عقلی و نقلی دی گری نیز استشهاد شود ولی بحپ کاملاً قرآنی است.^۹

دو نکته

در این جا دو نکته به نظر می رسد:

اول این که به نظر می رسد آنچه استاد به عنوان معارف قرآن یا تفسیر موضوعی از یاد می کنند در حقیقت بخشی از همان علوم قرآن به معنی عام است که زرقانی بیان نموده است. دوم این که استاد تنها تفسیر موضوعی را جزء معارف قرآن شمرده اند، و سخنی از نفس یر ترتیبی که حجم عظیمی از معارف قرآنی به شمار می رود به میان نیاورده اند. شاید این بدان معنی باشد که چون در تفسیر ترتیبی نمی توان به نظر نهایی قرآن رسید نمی توان نام معارف بر آن نهاد.

۹ - معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، ص ۸.

علم یا علوم؟

پرسشی که در اینجا ممکن است رخ نماید این که چرا در تعریف این بحث‌ها به «علوم قرآنی» یا «علوم قرآن» تعبیر می‌شود، و از کلمه علم استفاده نمی‌شود؟

استاد معرفت در این زمینه می‌نویسد: {راز} این که علوم را به صیغه جمع گفته‌اند این است که هر یک از این مساجل در چارچوب خود استقلال دارد، و علمی جدا شناخته می‌شود، و غالباً ارتباط تنگاتنگی میان این مساجل وجود ندارد، لذا میان مسایل علوم قرآنی نوعاً یک نظم طبیعی برقرار نیست تا رعایت ترتیب میان آن‌ها ضروری گردد، لذا هر مسأله جدا از مساجل دی‌گر قابل بحث و بررسی است.

اقسام علوم قرآن

با توجه به این که علوم قرآن از زوایای گوناگون متنوع است، مفسران و دانشمندان علوم قرآن، تقسیمات زیر را اراچه نموده‌اند:

تقسیم اول: علوم لفظی و علوم معنوی

علوم لفظی علمی است که در باره الفاظ قرآن بحث می‌کند مانند: علم تجوید، علم قراچت، فن رسم الخط قرآن، شمارش عدد سوره، آیه، کلمات و حروف قرآن. {بحث از تحریف ناپذیری قرآن و بحث از اعجاز نیز از زاویه‌ای در ردیف همین دسته قرار می‌گیرد}.

علوم معنوی علمی است که در باره معانی قرآن بحث می‌کند مانند: تنزیل و تأویل، ظاهر و باطن، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، آیات الاحکام، و علم تفسیر قرآن.^{۱۰}

بر اساس این تقسیم استاد به بخشی از مباحث علوم لفظی و بسیاری از مباحث علوم معنوی پرداخته است.

تقسیم دوم: علوم تاریخی، علوم دستوری و علوم تفسیری

علوم تاریخی، علمی است که درباره سرگذشت قرآن کریم چون: نزول قرآن، نگارش و نویسندگان قرآن، مراحل تدوین و اعراب و اعجام قرآن سخن می‌گوید.

علوم دستوری علمی است که در باره قراچت، تجوید، رسم الخط، و... بحث می‌کند.

علوم تفسیری علمی است که در باره تفسیر، شیوه‌های تفسیری و مناهج آن گفتگو می‌کند.

۱۰ - علامه طباطبائی، محمدحسین، قرآن در اسلام، ص ۱۰۸.

بر اساس این تقسیم استاد به همه علوم تاریخی و علوم دستوری پرداخته است. و در باره علوم تفسیری در بخش مستقل زیر عنوان تفسیر و مفسران به بحث نهشته است.

تقسیم سوم: علوم برون قرآنی و علوم درون قرآنی

منظور از علوم برون قرآنی علمی است که قطع نظر از قرآن و بیرون از محتوای آن، وجود دارد، میل ادبیات، تاریخ قرآن و امثال آن. و مقصود از علوم درون قرآنی دانش هاچی است که از درون قرآن نشأت گرفته است، میل مباحث اعجاز، تحریف، شناخت آیات و سوره ها، و تمام معارف قرآن.

بر اساس این تقسیم استاد **معرفت** به بخشی از مباحث علوم برون قرآنی و بخشی از مباحث درون قرآنی پرداخته است.

تقسیم چهارم: علوم متصل، علوم مرتبط، و علوم مستفاد

در این تقسیم بر اساس میزان ارتباط علوم مختلف با قرآن کریم به شکل زیر مورد توجه قرار گرفته است:

الف: علوم متصل به قرآن:

منظور از علوم متصل دانش هایی است که پیوند ناگسستنی با قرآن دارند به گونه ای که اگر به فرض قرآن نازل نمی شد این علوم نیز اصلاً پا به عرصه وجود نمی گذاشت. چرا که این ها در حقیقت زائیده خود قرآن کریم هستند، برخی از این علوم عبارتند از: تاریخ قرآن شامل: کیفیت نزول قرآن. نگارش و رسم الخط قرآن. نویسندگان وحی. جمع و تألیف قرآن در عصر پیامبر (ص). جمع و تألیف قرآن پس از رحلت پیامبر (ص). قاریان و قراچت های گوناگون. ترتیب نزول و ترتیب مصحف. تقسیم بندی و اجزاء قرآن. اعجام و اعراب گذاری قرآن. تجوید و تلاوت قرآن. مفردات و معانی واژگان. وجوه و نظاچر، غریب القرآن. زبان قرآن. شناخت آیات و اقسام آن. تناسب آیات و سور. احکام، تشابه، نسخ و تخصیص آیات قرآن. اسباب النزول. شناخت اسمی و وصفی قرآن. حدوپ و قدم قرآن. ظهر و بطن. تحریف ناپذیری قرآن. اعجاز قرآن. تفسیر و تأویل قرآن.

بر این این تقسیم استاد **معرفت** به غیر از تجوید و تلاوت، مفردات و وجوه و نظاچر، شناخت اسمی و وصفی قرآن، حدوپ و قدم، و زبان قرآن به همه مباحث پرداخته است.

ب: علوم مرتبط با قرآن

مقصود از این گروه از دانش‌های قرآنی، علمی است که در فهم قرآن نقش اساسی دارند، اما ولیده‌ی خود قرآن نیستند زیرا پیش از نزول قرآن نیز به عنوان بخشی از فرهنگ عرب در میان آن‌ها وجود داشته است.

مهمترین دانش‌ها از این سلسله، ادبیات به معنی اعم است، که پایه‌ی اساسی در فهم الفاظ هر متن، و از جمله قرآن می‌باشد.

برخی از پژوهندگان علوم قرآنی در این باره می‌نویسد: علوم مربوط به الفاظ قرآن، چهار نوع است: اعراب، نظم، تصریف و اعتبار.^{۱۱} منظور از اعراب، علم نحو است، مقصود از نظم، علوم بلاغت است، مراد از تصریف، علم اشتقاق است، و منظور از اعتبار، علم منطق می‌باشد. در خصوص دانش‌های مربوط به قرآن، علوم دیگری نیز دخالت دارند، که در مجموع عبارتند از: علم لغت: دانش شناخت واژه‌ها. علم صرف: یا دانش تغییر ساخت‌ها و شناخت جای گاه فردی و واژه‌ها. علم نحو: یا دانش شناخت جای گاه ترکیبی و واژه‌ها و اعراب آن‌ها. فقه اللغة: یا دانشی که از ارتباط افظی و معنوی واژگان سخن می‌گوید. علم اشتقاق: یا دانش ارتباط واژه‌ها و معانی آن‌ها با یکدیگر. علم اسالیب: یا شناخت شیوه‌های کلامی که عبارت است از: (علم معانی: دانشی که درباره‌ی لفظ، از جهت مطابقت با مقتضی حال گفت‌گو می‌کند. علم بیان: دانشی که از نحوه‌ی بیان یک معنی، از راه‌های گوناگون بحپ می‌کند. علم بدیع: دانشی که در باره ی زیباچی‌های کلام سخن می‌گوید).^{۱۲} علم منطق: ابزاری است که با به کار گرفتن آن، ذهن از خطای در فکر مصون می‌ماند.^{۱۳} علم منطق از این جهت در ردیف علوم لفظی قرار گرفته است، که در باره‌ی چگونگی چپش قضایا، که مقدمات قیاس می‌باشد، نیز بحپ می‌کند

استاد معرفت از این نظر تنها به بحپ وجوه و نظاچر در کتاب علوم قرآنی^{۱۴} پرداخته و به هی‌چ یک از علوم دیگری اشارتی ندارد، چراکه آن‌ها را جزء علوم قرآن نمی‌داند.

۱۱ - البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۹.

۱۲ - جرجانی، علی بن محمد، کتاب التعریفات، ص ۶۷.

۱۳ - مظفر، محمد رضا، المنطق، ص ۱۰.

۱۴ - معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، فصل هفتم.

نقد

استاد در بیان ضرورت پرداختن به علوم قرآن می‌نویسند: هر یک از مساجل علوم قرآنی در جای خود نقش مهمی در بهره‌گیری از محتوای قرآن ایفاء می‌کند.^{۱۵} در عین حال که این علوم نقش مهمی در بهره‌گیری از محتوای قرآن نقش دارد، مورد توجه قرار نگرفته است.

ج: علوم مستفاد از قرآن

در کنار این دو دسته از علوم، علوم دی‌گری نیز وجود دارد که به علوم مستفاد یا مستنبط از قرآن شهرت دارد. مراد از علوم مستفاد، دانش‌هایی است که قرآن کریم با نزول خود برای بشریت به ارمغان آورده، و یا به تکمیل آن پرداخته است، و این نیست مگر به دلیل تربیتی و هدایتی بودن قرآن، و رسالت جامع و فراگیر آن. بدین معنی که هر آن‌چه مورد نیاز جامعه‌ی بشری بوده است، به اجمال یا تفصیل بدان پرداخته است. گاهی در قالب بیان عقاید صحیح، گاهی با بیان اخلاقیات و گاهی نیز با تبیین احکام، و در مواردی با نقل تاریخ گذشتگان و جز آن.

در این که این علوم، که درحقیقت همان معارف قرآن است، به چه میزان و چه تعداد است؟ دانشمندان علوم قرآن دیدگاه‌های مختلفی اراچه نموده اند، که افزون بر آن‌که مربوط به موضوع مقاله نمی‌شود، در این مختصر جای نمی‌گیرد.

علوم قرآن در کلام عترت

علوم قرآن، مانند بسیاری از علوم اسلامی ریشه در کلام معصومان (ع) دارد، بدین معنی که این علوم مورد توجه آنان بوده، و به مناسبت‌هاچی به برخی از اقسام آن نیز اشارت نموده‌اند:

در باب تاریخ قرآن، قراچت و قراء، ظهر و بطن، شیوه ی تفسیر، منابع تفسیر و ... روایات بسیاری از ناحیه اهل‌بیت رسیده است که در جای خود مورد استناد و بررسی قرار می‌گیرد. اما در خصوص برخی از دانش‌های قرآنی می‌توان به موارد زیر اشارت کرد: در باره‌ی زبان قرآن، امام صادق (ع) می‌فرماید: **نزل القرآن بایک اعنی و اسمع یا جاره**.^{۱۶} در مورد دانش مربوط به اسباب نزول، در کلام علی (ع) آمده است که فرمود: **ما نزلت فی القرآن آیه، الا و قر علمت این نزلت؟ و فیمن نزلت؟ و فی ای شیئی نزلت؟ و فی سهل نزلت ام فی جبل**.^{۱۷} در خصوص تقسیم بندی آیات قرآن کریم، روایتی از امام باقر (ع) بدان اشارت دارد که می‌فرماید: **ان لکتاب الله ظاهرا و باطنا، و معانی . ناسخا و منسوخا، و محکما و متشابهها، و سننا و امیالا، و فصلا و وصلا، و**

۱۵ - معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، ص 8.

۱۶ - مجلسی، بحار الانوار، ج 92، ص 382.

۱۷ - مجلسی، بحار الانوار، ج 92، ص 79 و 87.

احرفا و تصرفاً.^{۱۸} در باره‌ی علوم و معارف قرآنی، در روایتی از امام صادق (ع) می‌خوانیم که فرمود: **ان من القرآن حلالاً، و منه حراماً، و فيه نبأ من قبلكم، و فيه نبأ من بعدكم، و حكم ما بينكم.**^{۱۹} در باره‌ی استفاده از مراتب قرآن امام حسین (ع) می‌فرماید: **كتاب الله علي اربعة اشياء :** **علي العبارة و الاشارة و اللطائف و الحقائق، فالعبارة للعوام، و الاشارة للخواص، و اللطائف للاولياء و الحقائق للانباء.**^{۲۰}

پس می‌طلبد بزرگانی هم‌چون استاد با در زمینه قلم بزند و به سهم خود غبار مهجوریت از ساحت قرآن بزدایند.

شیوه بحث در مباحث علوم قرآنی

دانشمندان علوم قرآن، در این مقوله سخنی ن‌گفته‌اند، اما می‌توان از نحوه‌ی اراچه‌ی مباحث آن‌ها به نوعی، در ن‌گزش کلی آنان به شیوه‌ی بررسی‌هایشان در علوم قرآن پی برد. آیت‌الله خوچی اُیر ارزشمند «البيان في تفسير القرآن» را به شیوه‌ی علم اصول الفقه به بررسی پرداخته است.^{۲۱} اما استاد معرفت در کتاب «التمهيد في علوم القرآن» و دی‌گر آپار خود علوم قرآن را به سبک بررسی‌های تاریخی مورد کاوش قرار داده است.

ماهیت علوم قرآن

ولی‌هی‌چ‌کدام نمی‌تواند بیان‌گر ماهیت علوم قرآن باشد، چرا که علوم قرآن، حتی به معنای خاص آن، در اساس متنوع، و دارای چپستی‌های مختلف است، و طبعاً همه‌ی آن‌ها نمی‌تواند یک ماهیت داشته باشد، و در حقیقت علوم قرآن مجموعه‌ای است از علوم عقلی و نقلی.

دانش‌های صرف، نحو، لغت و بلاغت جنبه‌ی نقلی دارد. مباحث تاریخ قرآن، شناخت آیات، اسباب النزول و تفسیر رواچی نیز نقلی است. مباحث ضرورت وحی، تحریف ناپذیری، اعجاز و تفسیر قرآن، آمیزه‌ای از عقل و نقل است. مباحث مربوط به علم کلام، در بخش توحید، و بسیاری از مباحث علم اصول الفقه عقلی است.

علوم مستفاد از قرآن، از مقوله‌ی همان علمی است، که از قرآن استنتاج شده است.

۱۸ - مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۹۰.

۱۹ - مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۱۱.

۲۰ - مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۰.

۲۱ - لازم به یادآوری است که علم اصول الفقه خود از مقوله‌ی علوم دستوری است که در باره‌ی یک سلسله بایدها سخن می‌گوید، نه در باره‌ی است‌ها. رک: مطهری، مرتضی، آشناچی با علوم اسلامی، ص ۲۵۳.

بنابر این در هر یک از مباحث قرآنی می‌بایست، شیوه‌ی خاص آن دانش را پی‌گرفت، تا دچار سر درگمی و اشتباه نشویم.

موضوع علوم قرآن

اگر چه هر یک از مباحث علوم قرآن، موضوع خاصی دارد که خود عامل جدایش هر بخش از بخش دیگر است، مانند: سرگذشت قرآن، تدوین قرآن، اعجاز، تحریف نا پذیر، نسخ آیات، قراحت، نزول و ... در علوم متصل به قرآن. الفاظ قرآن، نظم قرآن، صرف و اشتقاق و ... در علوم مرتبط با قرآن. ذات خداوند و صفات و افعال او، نبی و نبوت و رسالت او، قیامت و معاد و برزخ، انسان و روح و جسد او، تاریخ، آسمان و زمین و کواکب ... در علوم مستفاد از قرآن. اما آنچه همه‌ی این‌ها را در سلسله‌ی علوم قرآنی، به هم پیوند می‌دهد و نقش محوری را ایفاء می‌کند، پسوند قرآن است، و در حقیقت موضوع اصلی در همه‌ی این علوم خود قرآن کریم می‌باشد. استاد معرفت در این زمینه معتقد است موضوع علوم قرآن خود قرآن است لیکن از زاویه برون قرآنی. ایشان می‌گویند: علوم قرآن موضوع خود را قرآن قرار داده و با نگرشی برونی پیرامون آن بحث می‌کند، یعنی مباحثش به محتوای قرآن مربوط نبوده، بلکه به بررسی موضوعاتی همچون تاریخ قرآن، اسباب نزول، کیفیت نزول، مخاطبین قرآن، شبهه تحریف، و نظایر آن می‌پردازد.^{۲۲}

جایگاه علوم قرآن

تعیین جایگاه، و میزان برتری هر علم، فن و هنر به یکی از سه عامل بستگی دارد: الف: موضوع. ب: شکل و صورت. ج: هدف و غرض. طبیعی است که هر علم و هنری که در موضوع برتر باشد، و یا با فرض یگانگی موضوع، از عوامل برتری بیشتری برخوردار باشد، نسبت به دیگری برتری بیشتری خواهد داشت، و اگر از هر جهت، و در همه‌ی عوامل برتر باشد، پیشانی‌پیش و در رأس همه قرار می‌گیرد.

در خصوص علوم قرآن، باید گفت: والای از هر جهت وجود دارد، چرا که موضوع این علم، کلام خدا است که سرچشمه‌ی همه‌ی فضاچل و حکمت‌ها است، صورت این دانش، تجلی اسرار نهفته در آیات الهی، و هدف از آن آگاهی بر تاریخ قرآن، ابزار فهم قرآن، و بالآخره تحصیل معارف قرآنی است. بنابر این باید گفت: علوم قرآن از نظر اهمیت، ارزش و جایگاه در رأس

۲۲ - اسکندریلو، محمدجواد، علوم قرآنی، ص ۱۲. این کتاب تقریرات درس استاد معرفت می‌باشد که در دوره کارشناسی تدریس شده است.

همه‌ی علوم قرار دارد، و بسا به این حقیقت اشارت دارد، کلام امام عسکری (ع) که می‌فرماید: «ما انعم الله عزّ وجلّ علی عبد بعد الایمان بالله افضل من العلم بکتاب الله و معرفة تأویلہ»، خداوند عزوجل، بعد از نعمت ایمان به خودش، نعمتی بالاتر از علم به کتابش و شناخت تفسیرش به کسی نداده است.^{۲۳}

ضرورت پرداختن به علوم قرآن

استاد معرفت در زمینه ضرورت بحپ در علوم قرآنی می‌نویسد: ضرورت بحپ از آن جهت است که تا قرآن کاملاً شناخته نشود، و پابتن گردد که کلام الهی است، پی‌جور شدن محتوای آن مورد ندارد، برای رسیدن به نص اصلی که بر پیامبر اکرم نازل شده، باید روشن کرد که آیا تمامی قراچت‌ها یا برخی از آن‌ها است که ما را به آن نص هدایت می‌کند؟ هم‌چنین در مسأله نسخ، تشخیص آیه منسوخ از ناسخ یک ضرورت است. البته نسخ به معنی اعم که شامل تخصیص و تقیید نیز می‌باشد، چنانکه در کلام پیشینیان نیز آمده است، هم‌چنین مسأله متشابهات در قرآن که بدون تشخیص این جهت در آیات، استنباط احکام و استفاده از مفاهیم عالیه قرآن ره درستی ممکن نیست و هر یک از مساچل علوم قرآنی در جای خود نقش مهمی در بهره‌گیری از محتوای قرآن ایفاء می‌کند، برخی از این مساچل از مبادی تصویری و برخی از مبادی تصدیقیه به شمار می‌روند.^{۲۴}

بسا بتوان گفت: جای‌گاه علوم قرآنی به همان معنایی که استاد پذیرفته‌اند، به منزله اصول الفقه است نسبت به فقه. البته سخن استاد مبنی بر این است که تمامی مبانی و قواعد تفسیر نیز جزء علوم قرآن بدانیم.

۲۳ - مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 1، ص 217.

۲۴ - معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، ص 8.

منابع

- 1- الاتقان في علوم القرآن، جلال الدين سيوطي، المكتبة اليعاقبية، بيروت، 1973هـ .
- 2- بحار الأنوار، محمداقصر مجلسي، مكتبة الاسلاميه، ج2، طهران، 1403هـ .
- 3- البرهان في علوم القرآن، بدر الدين زركشي، دار الجيل، بيروت، 1408هـ .
- 4- التعريفات على بن محمد جرجاني، انتشارات ناصر خسرو، تهران.
- 5- التمهيد في علوم القرآن، محمد هادي معرفت، محمد هادي معرفة، ج3، مؤسسة النشر الاسلامي، قم، 1421هـ .
- 6- علوم القرآن (محاضرات)، سيد محمداقصر حكيم، منشورات المجمع العلمي الاسلامي، طهران ، 1403هـ .
- 7- علوم قرآن، محمد باقر سعيدي روشن، مؤسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني، 1377.
- 8- علوم قرآني، محمدجواد اسكندرلو، سازمان حوزه ها ومدارس علميه خارج از كشور، 1379ش.
- 9- علوم قرآني، محمد هادي معرفت، ياران، قم، 1378ش.
- 10- قرآن در اسلام، سيد محمدحسين طباطباچي، دفتر انتشارات اسلامي، ج5، قم، 1372ش.
- 11- مناهل العرفان في علوم القرآن، محمد عبدالعظيم زرقاني ، داراحياء الكتب العلمية، بيروت، 1406هـ .
- 12- المنطق، محمد رضا المظفر، انتشارات المعارف الاسلاميه، ج3، 1388هـ .
- 13- الموجز في علوم القرآن، دكتور داوود العطار، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، بيروت، ط 3، 1415هـ .